

حسین مسافر آستانه دبیر جشنواره تئاتر فجر در گفت‌وگو با «ایران»:

**نمی توانستیم بنشینیم و نابودی تئاتر را تماشا کنیم**



آرش شاه‌محمدی

**علی غفاری در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد**

# تلاش برای ساخت تصویری برازنده از یک «تک تیرانداز»

پریسا ساسانی  
خبرنگار

ساخت فیلم‌های سینمایی با موضوعات شخص محور یا همان پرتره‌های سینمایی از شیوه‌های رایج فیلمسازی است. این دسته از فیلم‌ها در صنعت سینما در جهان مرسوم است و قهرمانان و اسطوره‌های وطنی به تصویر کشیده می‌شوند و بالطبع سینمای ایران هم از این قاعده مستثنی نیست و فیلمسازان بسیاری در قالب فیلم‌های مستند یا داستانی، سراغ چهره‌های تأثیرگذار در حوزه‌های مختلف رفته‌اند. اما یکی از انواع ساخت فیلم‌های پرتره، ساخت

■ **در ابتدا درباره فیلم «تک تیرانداز» توضیح دهید.**

در ۸ سال دفاع مقدس جوانان خوشفکر و نایغهای برای دفاع از میهن خود به شهادت رسیدند که رشادت و ایثار هریک از آنها آن گونه که باید در مدیوم سینما مطرح نشده است. این در حالی است که سینما نیاز به قهرمان دارد و شهیدان راه وطن همه‌المان‌های قهرمان و اسطوره شدن را نزد مردم دارند. حال اینکه بسیاری از شهدا هستند که نقش تعیین کننده و مهمی در طول دفاع مقدس داشتند که نام آنها کمتر شنیده شده است. شهید عبدالرسول زرین یکی از افرادی است که نامی از او در فیلم‌ها و سریال‌ها نیامده است. این در حالی است که به استناد تاریخ شفاهی یا بیان خاطرات رزمندگان، این شهید تک‌تیرانداز یکی از بهترین رزمندگان در دفاع از میهن بوده است تا جایی که شهید خرازی از او با عنوان گردان تک نفره یاد می‌کرد.

■ **آیا ویژگی بارز شهید زرین مشخصاً مربوط به تک تیرانداز بودن و دفاع از میهن است؟**

خیر. منش شهید زرین مثال زدن است. یکی از نکاتی که افراد را مجذوب شخصیت این شهید می‌کرد توجه به این مطلب است که او چه هدفی را می‌توانسته بزند که نزده است. در واقع افتخار شهید به هدف‌هایی است که می‌توانسته بزند اما نزده است. به اعتقاد من نگاه شهید زرین به جنگ نوعی مبارزه متفاوت بوده است.

■ **سینمای ایران تا چه اندازه توانسته از ظرفیت خود برای شناساندن شخصیت‌های ملی و مذهبی موفق باشد؟**

درصد اندکی از ظرفیت سینمای ایران برای به تصویر کشیدن چهره‌های مبارز در راه وطن اختصاص یافته است. این در حالی است که سینما می‌تواند عناصر جذابی برای تماشاگر داشته باشد و اساساً سلیقه سینمایی من نشان دادن قهرمان و اسطوره‌سازی برای

فیلم روی چهره‌های ملی است و ساخت فیلم‌هایی با موضوعات جنگ تحمیلی که برگرفته از خاطرات شهدا یا افراد نزدیک به آنها نمونه‌ای از این دسته از فیلم‌ها است که عموماً با استناد به تاریخ شفاهی ساخته و به‌عنوان سمبلی از انسانیت و دفاع از میهن به نمایش گذاشته می‌شود.

نمونه‌هایی از این فیلم‌ها را می‌توان در آثار حاتمی کیا یا به‌طور مشخص‌تر در فیلم «ایستاده در غبار» محمد حسین مهدویان دید. علی غفاری کارگردان سینما در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر با فیلم «تک تیرانداز» به تهیه‌کنندگی بنیاد روایت فتح حضور دارد؛ پرتره‌ای سینمایی که روایتگر

۳۰  
۳۰

فیلم ساختن یا به نوعی کار در حوزه سینمای دفاع مقدس کاری است سخت و پرچالش که اگر با علاقه و معرفت همراه نباشد، نتیجه نامطلوب و روند تولید بسیار سخت و شکننده خواهد بود و به گفته سازندگان «تک تیرانداز» این فیلم توانسته نظر موافق فرماندهان جنگ را که سر صحنه تولید این فیلم حضور پیدا کردند جلب کنند و البته آن‌ها نیز به ابراهیم اصغری تهیه‌کننده فیلم این جمله را هدیه داده‌اند که «ساخت فیلم جنگی از خود جنگ سخت‌تر است». برخی معتقدند «تک تیرانداز» علی غفاری لقب استراتژیک‌ترین فیلم جشنواره فجر امسال را از آن خود خواهد کرد؛ فیلمی با محوریت زندگی شهید «عبدالرسول زرین» که او را به عنوان شکارچی جنگ می‌شناسند و یکی از تک تیراندازانی بود که توانست چند هزار نفر از نیروهای دشمن را از پادار آورد. شهید زرین جزو نیروهای اصلی و بنیان‌گذاران لشکر امام حسین (ع) بوده و در جبهه‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کرد؛ نشانه‌گیری‌های دقیق او بیشترین آسیب‌ها را به دشمن زده است. این شهید با رکورد بیش از سه هزار شلیک موفق و با به هلاکت رساندن نظامیان یعنی و چندین تک‌تیرانداز ماهر و فرمانده عراقی خود را به‌عنوان ماهرترین تک‌تیرانداز جهان در جنگ‌های معاصر ثبت کرده است. این فیلم پیش از این با عنوان «شکار شکارچی» معرفی شده بود و با همکاری انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس، بنیاد فرهنگی روایت فتح و با حضور بیش از ۱۲۰ نفر از عوامل حرفه‌ای سینما و به تهیه‌کنندگی «ابراهیم اصغری» به سی و نهمین جشنواره فیلم فجر قدم گذاشته است.

باید با شرایط کرونا کنار بیااییم و به‌عنوان مهمان ناخوانده در میان خود بپذیریم چون نمی‌دانیم تا چه زمانی دنیا درگیر این بیماری است و خب باید زندگی کرد. حتی

زمان فیلمبرداری، خیلی‌ها پیام می‌دادند که چرا در این شرایط فیلم تولید می‌شود ولی من با جدیت مخالف کار نکردن در کرونا بودم و البته همکاران ما مقاومت کردند و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی کار را تمام کردیم. البته تولید فیلم در جشنواره خانوادگی یا فیلم‌های با هزینه کمتر کم خطرتر بود. ولی «تک تیرانداز» فیلم شلوغی بود که باید کار می‌کردیم.

■ **سؤالم را به‌شکل دیگری مطرح می‌کنم، آیا با وجود ساخت فیلم در ایام کرونا نتیجه فیلم‌رایی هستید؟**

قطعاً اگر محدودیت‌ها نبود بهتر بود و می‌توانستیم با استرس کمتر فیلم را بسازیم.

داستان زندگی شهید عبدالرسول زرین است که در ۸ سال جنگ تحمیلی برای دفاع از میهن مبارزه کرد و اکنون علی غفاری تلاش کرده تا در این اثرسینمایی برشی از تأثیر وجود او در جنگ را به نمایش بگذارد؛ تک تیراندازی که شهرت جهانی دارد. این کارگردان معتقد است چراغ سینمای ایران قهرمان محور است و این خاصیت سینمای ایران رو به افول است. این کارگردان سینمای ایران در گفت‌وگویی که با روزنامه ایران انجام داده است از دغدغه‌های خود برای به تصویر کشیدن قهرمان در سینمای ایران و تلاش برای رسیدن به سینمای استاندارد سخن گفت.

■ **تک تیرانداز بازیگران؛**  
کامبیز دبیرباز  
علیرضا کمالی  
امیررضا دلآوری  
عبدالرضا نصاری  
حسین پوریده  
حسین شریفی  
اسماعیل خلج  
انوش معظمی  
عبدالحلیم ثقلبی

■ **خلاصه داستان؛**  
تک تیرانداز ایرانی تبدیل به کابوسی مرگبار برای افسران و فرماندهان ارتش یعنی شده. تاجایی که صدام شخصاً تعیین می‌کند.



اما با همه مشکلات پیش رو همه تلاش ما این بود که چراغ سینما روشن بماند و من به‌شخصه از کسانی هستم که معتقدم تنور سینما و جشنواره فیلم فجر باید گرم بماند تا سینما در این ایام ویژه، سلامت بماند.

■ **به‌عنوان آخرین سؤال فکرمی‌کنید در جشنواره فیلم فجر چه جایزه‌ای دریافت می‌کنید؟**

نمی‌دانم ونقطه نظری هم ندارم. زیرا فیلم‌ها را ندیده‌ام و قضاوتی هم نمی‌توانم داشته باشم. ولی آرزو می‌کنم این جشنواره بدون هیچ خسارتی برگزار شود و به پایان برسد. چون مهم، سینما و آشتی مردم با آن است که در این شرایط باید دعا کرد خسارتی نداشته باشد.

### کمدی فانتزی برای تعدیل کلیشه‌ها

«رمانتیسسم عماد و طوبیا» دومین فیلم سینمایی کاوه صباغ‌زاده پس از «ایتالیا ایتالیا»؛ ادامه‌دهنده دغدغه او در باب آسیب‌شناسی رابطه زوج‌ها و زندگی مشترک است.



سحر عصر آزاد  
منتقد سینما

فیلمساز همچون فیلم اول خود که اقتباس از قصه «یک موضوع موقت» جومپا لاهیری بود، این فیلم را نیز با برداشت آزاد از کتاب «سیر عشق» آلن دوباتن ساخته است؛ قصه‌ای که به زندگی یک زوج از کودکی تا آشنایی، عاشقی و کهنسالی در کنار هم می‌پردازد.

اینکه صباغ‌زاده تلاش می‌کند با تمهیدات روایی به سوبه‌هایی جدید از یک دغدغه محوری بپردازد، می‌تواند نقطه قوت و امتیازی در تداوم و قوام نگاه او تلقی شود که هر بار رنگ‌آمیزی خاصی پیدا می‌کند.

«رمانتیسسم عماد و طوبیا» با تعلق خاطر فیلمساز به‌گونه کمدی فانتزی، زندگی این زوج هنرمند را از بدو تولد تا وصل و مخاطراتی که برای ماندن یا ترک زندگی مشترک دارند؛ با زیرمتن عشق به مثابه یک مهارت زندگی بی‌می‌گیرد.

زیرمتنی که می‌تواند شعاری و واجد پیام مستقیم باشد اما قالب کمدی فانتزی کمک کرده تا این وجه تعدیل شده و اغراق موجود بر بستر مؤلفه‌های ژانر از دافعه برانگیزی فاصله گرفته و نسبت خود را با رئالیسم حفظ کنند. فیلمساز با تعمد فانتزی را وارد زاویه نگاهش به آدم‌ها، وقایع و رویدادهای قصه و حتی جزئیاتی همچون شمایل ظاهری مکان‌ها، آدم‌ها، رنگ و لعاب‌ها و حتی کنش و واکنش‌های دراماتیک کرده تا جهان رئال را تعدیل کند.

ترکیب این نسبت از فانتزی و رئالیسم باعث شده داستان کلیشه‌ای و تکراری تبدیل عشق به نفرت در روابط زوج‌ها، با خوانشی تازه به مخاطب منعکس شود تا در عین حال این جنس فانتزی زمینه‌ای برای تخیل‌پردازی مخاطب و فرار از رئالیسم در تعیین تکلیف رویدادها فراهم کند. مثل جایی که عماد و طوبیا در فرار از دست مأموران روی پل، به ناگاه بال درمی‌آورند و به پرواز درمی‌آیند. هرچند این اجرا ضعیف از کار درآمده اما نقش مؤثری در شکل دادن به ساختار و فرم فیلم دارد و می‌توانست در ادامه نقش و کارکرد بیشتری برای متمایز شدن جهان فیلم پیدا کند که این اتفاق نمی‌افتد.

«رمانتیسسم عماد و طوبیا» واجد زاویه نگاه خوشبینانه‌ای برای ارائه راهکار دوام روابط و زندگی مشترک زوج‌ها است و قالب کمدی فانتزی به تعدیل این اغراق در خوشبینی و حرکت بر مسیر قصه‌ای کلیشه‌ای و قابل پیش‌بینی کمک کرده است.

### خرّده‌داستان‌های جیمز باندی

«گوشت تلخ»، یکی از نمونه‌های قابل‌توجه در فیلم‌های کوتاه امسال است که توانسته با بهره‌گیری از نمونه‌های کلاسیک فیلم‌های کوتاه، پایانی متفاوت را رقم بزند و با وجود اینکه داستان یک خطی فیلم، یادآور بسیاری

از فیلم‌های کوتاه ساخته شده در این سال‌ها بوده است، توانسته با عبور از کلیشه‌های فیلم‌هایی با این مضمون، تصویری عریان‌تر و بی‌پروازتر از فقر به نمایش بگذارد. هرمز که آشپز سالخورده دانشگاه است، پس از پایان ساعات کاری، تکه‌های گوشت گوسفند را زیر شلوارش پنهان می‌کند و می‌دزد. پرداخت این خط داستانی برای نویسنده‌ای فاقد خلاقیت و کارگردانی که به جزئیات توجه چندانی ندارد، می‌توانست در بهترین حالت به روایتی ملال‌آور بدل شود که اثر کم‌جانش، تا لحظاتی پس از اتمام فیلم، از ذهن بیننده پاک شود و در نهایت، با افسوس و غمی لحظه‌ای، از ذهن و دل مخاطب محو شود. اما در گوشت تلخ، این اتفاق رخ نمی‌دهد و خروجی نهایی، فیلمی قابل توجه‌تر با تأثیری عمیق‌تر می‌شود؛ تأثیری که راز ماندگاری‌اش در پایان‌گیری درخشان فیلم و کارگردانی فکرسده آن است. انتخاب پایان‌بندی مناسب در این فیلم، بعد از انتخاب بازیگر نقش هرمز (محمد علی کریمی‌منش)، شاید پریسک‌ترین کار فرید حاجی بوده است. یک پایان خوب برای گوشت تلخ می‌توانست هر آنچه تا دقیقه‌های پایانی رشته شده بود را پنبه کند. اگر نویسنده، به‌جای آن خنده شیطن‌آمیز و نمایش حظ و لذت هرمز در زمان خوردن گوشت‌های سرتقی، او را تکبیده در گوشه‌ای از خانه‌ای (که یخچال خالی‌اش را در پلانی دیده بودیم) نشان می‌داد، به نوعی تمام‌فکری که از جنس جهان‌بینی او انتظار می‌رفت تغییر کرده بود. سکوت و سردی و به اصطلاح پوکرفیس (pokerface) بیودن هرمز، گواه از گرایش ذهنی به جهانی دارد که قبح گناه در آن فرو ریخته است و ابراز احساسات در چهره و (facial expression) به‌گونه‌ای است که شرم از رفتار صرفاً به‌واسطه وجود دوربین در آشپزخانه در او حاصل شده است. بنابراین لذت فرار از مملکه که آمیخته با کیفیور شدن از سرقط است در سکاس آخر، با موسیقی جیمز باندی همراه می‌شود و پایانی تحسین‌برانگیز و در عین حال، ترسناک را برای فیلم رقم می‌زند؛ پایانی که می‌تواند شروع طرح نقشه سرقطی جدید شود و در عین حال، زنگ هشدار ی برای لزوم کالبدشکافی افکار طبقه تهیدست و فقیر در جامعه باشد که هرچند در این فیلم کوتاه، مجالی برای ریشه‌یابی فرهنگی و اجتماعی آنها به دست نمی‌آید اما به تلنگری برای پرداخت به این موضوع مهم، بدل می‌شود.

نیماایمان زاده کارگردان نمایش «باب‌بار» نماینده‌سندج در جشنواره فجر:

**جشنواره تئاتر فجر جشن تئاتر ایران است**